مرتضی میردار

مبارزه به روایت سید احمد هوایی - ۲۱

صدای انقلاب اسلامی ایران

بعد از انقلاب، به‌دلیل مبارزه و راهپیمایی‌ها و ده تا پانزده روز جنگ وگریزی که با نیروهای شـاه داشتیم، عده‌ای از بچه‌ها را کم‌وبیش شناخته بودیم. مخصوصاً بچه‌هایی که با ما کار می‌کردند، لو رفته بودند. همان‌طور که قبلاً هم اشـاره کردم، ما فکر نمی‌کردیم انقلاب به این زودی پیروز شود و دید ما روی بیسـت سال مبارزه بود. از وقتی که شاه رفت و حضرت امام آمدند، ورق کشـور برگشت. بچه‌ها به‌تدریج همدیگر را بیشتر شناخته بودند. دقیق یادم هست که گوشهٔ میدان شاه (میدان قیام) ایستاده بودیم که رادیو اعلام کرد: «این صدای انقلاب ایران است.» همیشه این جمله در گوش من است. اصلاً تصـورش را نمی‌کردیم و تا این جمله را شـنیدم، خیلی خوشحال شدم. به آقای بوربور، که پنج شش ماه با آقای موسـوی اردبیلی[1] در مسجد نصرت در تماس بود، زنگ زدم. بعد از ورود حضرت امام کارها به دست این آقایان افتاده بود و رو آمده بودند. به او گفتم: «بدو برو به فلانی بگو که رادیو اعلام کرد: این صدای انقلاب ایران است. بگو سریع درستش کنند و بگویند: این صدای انقلاب اسلامی ایران است.» از آن موقع به‌بعد این اسم باب شد. اصلش هم همین است.

کمیتهٔ ولی‌آباد

در مدرسهٔ رفاه یک تلویزیون مدار بسته درست کـرده بودند که تـا حوالی سرچشـمه و خانهٔ ما می‌گرفت. ساواکی‌ها شروع به فعالیت کرده بودند و شـب‌ها می‌آمدند و سنگرهای بچه‌ها را به رگبار می‌بسـتند. فکر می‌کنم صبح ۲۲ بهمن بود که به خیابان هدایت، چهارراه ولی‌آباد رفتیم. دفتر جامعهٔ روحانیت مبارز در آنجا بود. اولین کمیته را در آنجا تشکیل دادیم. هنوز کمیتهٔ موقت انقلاب هم ایجاد نشـده بود. کمیته‌ای درست کردیم به نام کمیتهٔ ولی‌آباد. آقایی بود به نام خدیر که غیرمسـتقیم با من کار می‌کرد و توسـط آقای دوسـت‌محمدیان با او آشـنا شـده بودم. من در این‌جا هم از طریق آقای دوست‌محمدیان با دیگران آشنا شدم. ابراهیم میرزایی و همین آقای خدیر و خیلی دیگر از مبارزین ملی و مذهبی حضور داشتند. من آن موقع ۳۱ سال داشتم و سربازی رفته بودم و همه‌جوره آماده به رزم بودم. قرار شد کمیتهٔ ولی‌آباد را درست کنیم و یکی را مسئول آن بگذاریم. خانهٔ آقای خدیر در ظهیرالاسلام بود و از این منطقه خبر داشتند. آن طرف هم منزل آقای طالقانی بود. من مسئول عملیات شدم و آقای خدیر هم مسئول ستاد و پشتیبانی. از بازار و تجار هم غذا فراهم می‌کردیم. همان روز حدود بیسـت نفر در آنجا ثبت‌نـام کردیم و با بچه‌هایی که قبلاً می‌شناختیم، تماس گرفتیم و گفتیم بیایید اینجا؛ ما تشکیلاتی راه انداخته‌ایم.

دیدار دوباره با حسین غول

یک یا دو روز این‌جا بودیم. از آن طرف باشگاه تاج را گرفتیم که روبه‌روی بیمارستان طرفه بود. بعد شـروع کردند به گرفتن افغانستانی‌ها. آنها را می‌بردنـد لب مرز و تحویل می‌دادند. ما افغانی‌ها را به باشـگاه تاج می‌بردیم که گویا الان تربیت بدنی استان تهران است. یک شاخه از کارمان در آنجا بود. آنجا هم منطقهٔ ۹ شهربانی و بدترین جا بود، چون تمام کاباره‌ها و کافه‌ها در لاله‌زار و شـاه‌آباد بودند. من گفتم بیاییم یک کلانتری تأسیس کنیم و کارهای منطقه را در آنجا انجام بدهیم، چون خیلی افتضاح بود. درست روبه‌روی بیمارستان طرفه جایی برای فراماسونری‌ها بود که الان گمانم دبیرستان صنعتی است. رفتیم و آنجا را گرفتیم. گمانم روزنامهٔ اطلاعات دربارهٔ این خانه و فراماسونری مطلب نوشته بود؛ چون بعد از آنکه به آنجا رفتیم، آمدند و مصاحبه کردند که این‌جا را چطور گرفتید. وضع عجیب و خوفناکی بود. ما کم‌وبیش دربارهٔ فراماسونری چیزهایی شنیده بودیم، ولی نمی‌دانستیم تشکیلات مخفی‌شان این شکلی است. خیلی دم و دستگاه داشتند. در آنجا آدرس تمام فراماسون‌ها را پیدا کردیم.

با دست نمی‌نوشتند و همه چیز حالت مُهر داشت و چاپ می‌کردند. آنها هم تصور نمی‌کردند که انقلاب با این سـرعت پیروز بشود، لذا این قسمت از فراماسونری دسـت‌نخورده به چنگ ما افتاد. مدارک، وسایل عتیقه، چینی‌جات، نقره‌جـات و اجناس زیـادی از این‌جا به دسـت‌مان آمد کـه یک کامیون آوردیـم و همه را به مدرسـهٔ رفاه بردیم. چون کمیتهٔ مرکز هنوز راه نیفتاده بود و می‌خواستیم آنجا را کلانتری و زیرزمینش را زندان کنیم. وسـایل را دادیم رفت که آنجا را حسابیِ خلوت کنیم و کمیته‌ای در آنجا تشکیل دادیم. تقریباً همه ما را می‌شناختند.

بچه‌های محلهٔ امامزاده اهل علی، از جمله مصطفی سید آقا[2] و آقای کبیری به‌تدریج به ما مراجعت کردند. ورود بچه‌ها به کمیته و انقلاب شـروع شد. می‌آمدند و ثبت‌نام می‌کردند، من هنوز دفتر ثبت‌نام‌شان را دارم. تنها شرط ما این بود که طرف معرف داشته باشد، برای اینکه بدانیم یک نفر این فرد را می‌شناسد. فکر می‌کنم ۲۴ یا ۲۶ بهمن بود که امام گفتند کلانتری‌ها باز کنند و سر کارهای‌شان برگردند. کلانتری ۹ را در میدان بهارستان آتش زده بودند و سوخته بود. برای همین آمدند و پیش ما مستقر شدند، چون ما کلانتری زده بودیم. یکی از اتفاقات جالبی که افتاد، این بود که حسین غول را دستگیر کرده بودند. خانه‌اش پامنار بود. مردم او را گرفتند و دست ما دادند. جای شما خالی. کاری نداریم که در آنجا با او چه کردیم، برداشتیم و او را به مدرسهٔ رفاه بردیم و دست آقای خلخالی دادیم. شاید یک ساعت از تحویلش نگذشته بود که اعدامش کردند و جنازه‌اش را برگرداندند. من مال این منطقه بودم و خیلی چیزها را دیده بودم. سرهنگی بود که خیلی بددهـن و بی‌رحم بود. پاچه‌هایش را داخل چکمه‌هایش می‌کرد و یک تعلیمی[3] هم دسـتش می‌گرفـت و به خـدا و دین و پیغمبـر بد و بیراه می‌گفت و داد می‌زد: «مگـر خدا مرده که بازار را بسته‌اید؟» و با شلاق به هرکسی که جلوی دستش می‌رسـید، ضربه‌ای می‌زد. ما ضربهٔ او را هم خورده بودیم و او هـم در ذهنم بود. این آمد و خودش را معرفـی کرد. دو نفر دیگر هم بودند. من به سـهم خودم اینها را می‌شناختم. هر کدام از بچه‌ها کسانی را می‌شناختند و تحویل می‌دادند. آن روزها هم همه مورد اعتماد همدیگر بودند و اگر یکی از بچه‌ها کسی را معرفی می‌کرد، من دیگر تردیدی به او نداشتم و همین‌طور بالعکس. خلاصه آنهائی را که می‌آمدند و خودشـان را معرفی می‌کردند، به مدرسـهٔ رفاه می‌بردیم. زنده می‌رفتند و جنازه‌شان برمی‌گشت. آنها را روی پشت‌بام رفاه اعدام می‌کردند. برای همه روشن بود که آنها چه کسانی هستند. بعد از دو سه روز فهمیدند که چه خبر اسـت و دیگر خودشان نمی‌آمدند خودشان را معرفی کنند. لاجرم بچه‌ها می‌رفتند دستگیرشان می‌کردند.

پانوشت‌ها:

۱- سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی (۱۳۰۴-۱۳۹۵) از مراجع تقلید معاصر اسـت. او از مبارزین علیه حکومت پهلوی و از اعضای جامعهٔ روحانیت مبارز تهران بود. او همچنین از اعضای شورای انقلاب و افراد اصلی حزب جمهوری اسلامی بود. وی در اسفند ۱۳۵۸ به‌عنوان دادستان کل کشور، و پس از شهادت آیت‌الله بهشتی، به ریاست دیوان عالی کشور منصوب می‌شود. او، پس از رحلت امام خمینی، از سیاست کناره گرفت. سپس به قم بازگشت و اعلام مرجعیت کرد. او بنیانگذار مدارس مفید و دانشگاه مفید بود.

۲- سـیدمصطفی ادب‌دوسـت (۱۳۳۴-۱۳۵۹) معروف به سیدآقا اولین فرمانده پاسداران کمیتهٔ انقلاب اسلامی از سوی آیت‌الله مهدوی کنی بود. او در ۲۳ مهر ۱۳۵۹ به جبههٔ جنوب رفت و در ۱۹ آذر همان سال به شهادت رسید.

۳- عصای کوچک

مناسبات جمهوریّت و اسلامیّت در انتخاب ولیّ فقیه- ۹۵

اهتمام جدی به خودکفایی در تسلیحات نظامی

سید یاسر جبرائیلی

سـال ۱۳۶۶ مجموعه جدیدی در کنار شـورای عالی پشـتیبانی جنـگ به منظور برنامه‌ریزی و سـازمان‌دهی بسـیج و اعزام روحانیون به جبهه تشـکیل شد که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به نمایندگی از شورای‌عالی در آن مجموعه حضور یافته و به سازماندهی امور اعزام پرداختند.

در همین سـال که جبهه‌هـا با کمبود نیرو مواجه بودند، سـپاه پیشنهاد مدوّنی به شورای‌عالی پشـتیبانی جنگ ارائه کرد که حضرت امام حکم جهاد صادر کنند و افرادی بین شانزده سال یا هجده سال تا چهل سال، همه بیایند جنگ، و آموزش ببینند و ۱۵۰۰ گردان تشـکیل شـود؛ امّا حضرت آیت‌الله خامنـه‌ای با این پیشـنهاد مخالفت کردند. ایشان پس از پایان جنگ در این‌باره گفتند: «در شـورای‌عالی پشـتیبانی بنده مخالف بودم؛ من تنها کسـی بودم کـه با این فکر مخالفت می‌کردم؛ گفتم من مخالفم، دلایلی هم داشتم.

البتّه برادر عزیزمان آقای هاشمی صددرصد مدافع بود. ما بااینکه نظراتمان خیلی به هم نزدیک اسـت، گاهی اوقات سـر یک چنین چیزی یک اختلاف این‌جوری پیدا می‌شـود بین نظرات ایشـان و بنده. ایشان صددرصد گفتند که نخیر، این خوب اسـت... بعد من گفتم که خب ما داریم در شورای پشتیبانی برای امام تکلیف معیّن می‌کنیم.

ما می‌گوییم ایشـان صادر نکنند، شـما می‌گویید ایشـان صادر بکنند. خود امام که زنده اسـت ما برویم بگوییم آقا شما خودتان چه مصلحت می‌دانید؛ همه پسندیدند.

بنا شـد که بنده با آقای هاشـمی برویم خدمت امام. رفتیم؛ امام گفتند نه، حکم جهاد من که صادر نمیکنم شماها هم هیچ‌وقت به این فکر نیفتید.»[1]

پس از مخالفت حضرت امام با صادر کردن حکم جهاد، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، آقای هاشمی رفسنجانی و تعدادی دیگر به استان‌ها سـفر کردند تا شرایط را تبیین و مردم را به حضور در جبهه‌ها تشویق کنند.

ایشان پس از مشاهده پاسخ گسترده مردم بـه این ندا، آذرمـاه ۱۳۶۶ در یک مصاحبه تلویزیونـی گفتنـد: «لازم می‌دانم تشـکّر صمیمانه و مخلصانه خودم را از حرکت عظیم مردم در این ایّام ابراز کنم؛ حقیقتاً پاسخی که مردم عزیزمان و ملّت مبارز و شجاع و مؤمن و ایثارگرمـان به این نـدا دادند و حضوری که در میدانها نشـان دادند، بسـیار عظیم و تاریخی و فراموش‌نشدنی بود... بارها آمادگی و علاقه مـردم را آزمایش کرده بودیم؛ آنچه را که در این چند روز مشـاهده کردیم بیش از آن چیزی بود که در ذهنمان ترسیم شده بود و فرض می‌کردیم که انجام خواهد شد.

همان‌طـور که همه می‌دانند مسـئولین کشـور به اسـتان‌های مختلفی سفر کردند، بنده خودم به هفت هشت جا رفتم و برادران عزیزمان در شـورای‌عالی پشـتیبانی جنگ همچنین به نقاط متعدّدی سفر کردند و در جمع مردم حضـور پیدا کردند؛ هرجا که ما شرکت کردیم هرکدام‌مان، حقیقتاً تحت تأثیر حرکت مردم قرار گرفتیم و احساس کردیم که مردم همواره حاضرترین و آماده‌ترین هستند، در همه میدان‌ها.»[2]

در دوران ریاسـت‌جمهوری بـه دلیـل مخالفت امام بـا حضور آیت‌الله خامنه‌ای در جبهه‌های جنگ، ایشان به برخی حضورها و بازدیدهای محدود اکتفا کردند امّا در مقطع پایانـی جنگ و پس از قبول قطعنامه ۵۹۸، وضعیّت وخیم جبهه‌ها و ناراحتی و ناامیدی حاکم بر جمع رزمنـدگان به دلیل پذیرش قطعنامه، ایشـان را ناگزیر کرد پس از کسب موافقت امـام برای تبییـن دلایل پذیرش قطعنامه و ترسـیم مسیر آینده جنگ حق و باطل، به جبهه‌ها رهسپار شوند.

آقای هاشمی رفسنجانی در خاطرات خود می‌نویسـد: «دوّم مرداد اوایل شـب آیت‌الله خامنه‌ای با لباس سـپاهی به گلف (پادگانی در اهواز) آمدند. سرتیپ [محمّد] سلیمی هم همراه ایشان است. خیال دارند چند روزی در منطقه بمانند و به منظور بالا بردن روحیّه‌ها برای یگان‌ها صحبت کنند.

امـروز در پیامـی به ائمّـه جمعه اعلان کرده‌اند کـه به جبهه‌ها می‌رونـد و از آنها خواسـته‌اند که به آنها بپیوندند و هم‌اکنون حرکت علما به‌سـوی جبهه‌ها شـروع شده. موجی که تأثیر روانی خوبی دارد.»[3]

سردار محمّدعلی فلکی از فرماندهان دفاع مقـدّس، حضور حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جبهـه را این‌گونه توصیـف می‌کند: «نقش حضرت آیـت‌الله خامنه‌ای بعـد از پذیرش قطعنامه به این صورت بود که زوایای پنهان پیروزی را به ما نشـان داد. هدف حضرت آقا برای حضور در جبهه بعد از پذیرش قطعنامه بیان دو موضوع بود:

۱- به ما (رزمنده‌ها) بگویند که شما کار خودتان را انجام دادید و خطایی نداشـتید.

۲- پذیرش قطعنامه پایان جنگ نیست.»[4]

حضـرت آیـت‌الله خامنـه‌ای در دوران مسئولیّت‌هایی که در حوزه نظامی داشتند، با جدّیّت ویژه‌ای خودکفایی در آموزش نظامی، خودکفایی در تسلیحات نظامی و تقویت بنیه دفاعی از جمله توانمندی موشـکی، نظم در نیروهای مسلّح، و وجود توأمان ارتش و سپاه و اجتنـاب از ادغام ایـن دو نیرو را پیگیری کردند. ایشان معتقد بودند «ما باید ارتش را به حدّی از خودکفایی برسانیم که برای همیشه و به‌طـور کامل از احتیاج به خارج مصونیّت پیدا کند.»[5] و این خودکفایی را منشأ برکات و دسـتاوردهای علمی می‌دانستند: «غالب پیشـرفت‌های علمی در زمان نیاز نظامی و به بهانه‌ی ساخت تسلیحات و ابزار نظامی به عمل آمده است.»[6]

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دوران مسـئولیّت‌هایی که در حوزه نظامی داشـتند، با جدّیّت ویژه‌ای خودکفایـی در آموزش نظامی، خودکفایی در تسـلیحات نظامی و تقویت بنیـه دفاعی از جمله توانمندی موشـکی، نظم در نیروهای مسـلّح و وجـود توأمان ارتش و سـپاه و اجتناب از ادغام این دو نیـرو را پیگیری کردند.

به پیشـنهاد آیت‌الله خامنه‌ای، معاونت جهاد خودکفایی در ارتش ایجاد شد.

سـردار علیرضا افشار از فرماندهان سپاه پاسـداران انقلاب اسـلامی درباره ممانعت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از انحلال سپاه پس از پایان جنـگ می‌گوید: «قبل از آتش‌بس هم بحث ادغام ارتش و سـپاه مطرح شـد. حتّی یک کم وارد مراحل اجرائی هم شـد. ولـی بعد از آتش‌بس به‌صورت جدّی مطرح شد و آن موقع که آقای هاشمی رفسنجانی جانشـین فرماندهی کلّ قـوا در نیروهای مسـلّح بودند، آقای عبـدالله نوری را مأمور کردند که شـما طرح ادغام ارتش و سپاه را بیاورید. او هم انگیزه ادغام را داشـت و قبلاً هم تبدیل جهاد سازندگی به وزارت را دنبال کرده بود... جلسـات مفصّلی با همه گرفت. ارتشی‌ها، با سـپاه، حتّی با خود من جلسه داشت ایشـان. طرح تهیّه شد... با گزارشی که خدمت امـام می‌برند، امام قبل از اینکه بررسی دقیقی بکنند نسبت به پیشنهادات، همین‌که فهمیدند می‌خواهند سپاه با ارتش ادغام شود، فرمودند مگر می‌خواهید سپاه را منحل کنید؟ بروید با رئیس‌جمهور صحبت کنید که وقتی می‌روند خدمت آقا، ایشـان نظر مخالفی داشتند و خلاصه مسئله متوقّف می‌شود و انجام نمی‌شود.»[7]

پانوشت‌ها:

۱- آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در جلسه پرسش و پاسخ در جمع فرماندهان لشکر المهدی(عج)، ۱۳۶۷/۵/۱۴

۲- آیـت‌الله خامنـه‌ای، بیانـات در گفت‌وگـوی تلویزیونی، ۱۳۶۶/۹/۱۳

۳- اکبر هاشـمی رفسـنجانی، پایان دفـاع، آغاز بازسازی: کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۷، ص ۲۳۰

۴- گفت‌وگو با سردار محمّدعلی فلکی، پایگاه خبری تحلیلی مشرق، ۱۳۹۵/۴/۳۰، کد خبر: ۶۰۵۸۵۵

۵- آیـت‌الله خامنـه‌ای، بیانات در دیـدار با کادر فرماندهی و آموزشی پادگان تبریز، ۱۳۶۲/۶/۱۸

۶- آیـت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیـدار با برادران وزارت دفـاع به اتّفاق برادران عقیدتی و سیاسـی، ۱۳۶۴/۵/۳

۷- آرشـیو مؤسّسـه پژوهشـی _ فرهنگی انقلاب اسلامی

نیازمندی‌های کیهان
قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز: ۳۳۱۱۰۲۰۲ - ۳۳۱۱۳۵۱۹ - ۳۳۱۱۰۲۱۰ - ۳۳۱۱۸۰۵۰ - ۳۳۱۱۸۰۵۲ - ۳۳۹۱۱۵۶۸ - ۳۳۱۱۹۲۳۶ - ۳۳۱۱۲۱۹۵ - ۳۳۱۱۲۱۹۳ - ۳۳۱۱۲۲۹۱ - ۳۳۱۱۳۰۸۵ - ۳۳۹۴۲۰۰۰

جنوب: سعدی ۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳ - شرق استان تهران ۳۶۲۵۷۰۷۴ - اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۴۳ - چهاردانگه ۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال: قلهک ۲۲۶۰۳۶۳۵ - شمیران ۲۲۷۱۲۹۷۶ - مطهری ۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲ - شهرآرا ۶۶۵۹۲۲۶۶ -۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱

شرق — غرب: شهریار ۰۹۱۲۱۶۲۰۸۴۹ - ۶۵۲۲۲۹۳۳ - کرج ۳۲۲۲۴۴۱۱ ۰۲۶-۳۲۲۲۶۰۱۳ - دماوند ۷۶۳۲۱۹۳۸

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک

املاک افق
خرید- فروش- رهن- اجاره
زمین، ویلا، آپارتمان در رودهن و حومه
۰۹۱۲۱۷۲۹۴۸۵ و ۷۶۵۰۹۹۸۱

مجله زن روز
روزهای شنبه هر هفته
منتشر می‌گردد

صادرات و واردات

فلاشینگ نماز کریا
تهیه و اجرای فلاشینگ نما
و ورق فلزی ۰۹۱۲۷۲۸۳۹۸۲
و ۰۹۱۲۵۳۴۶۶۹۴

لوازم یدکی خودرو

تویوتا صبا (شریف‌نیا)
توزیع و پخش لوازم اصلی
تویوتا- لکسوس (بازار)
۳۳۹۰۰۱۷ -۰۹۱۲۲۴۹۷۵۷۰

حمل و نقل

متصدی حمل هوایی زمینی دریایی
و ریلی کالای وارداتی صادراتی
ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا
۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

آگهی‌های مفقودی

کارت مشخصات خودرو سواری سمند ال‌ایکس به شماره پلاک ۱۴۷ ق ۱۸- ایران ۱۴ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۹ و شماره موتور ۱۲۴۸۹۱۱۵۴۷۳ و شماره شاسی NAAC۹۱CC۲AF۷۹۹۴۲۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری سایپا سایپا تیپ تیبا مدل ۱۳۹۸ به شماره پلاک ۲۴۳ ه ۹۶- ایران ۱۴ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۹ و شماره موتور M۱۵/۹۰۶۳۶۷۱ و شماره شاسی NAS۸۳۱۱۰۰L۵۸۹۹۷۷۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز (سند مالکیت) سواری سایپا تیپ تیبا مدل ۱۳۹۸ به شماره پلاک ۳۷۹ص۲۹ ایران ۶۷ و شماره موتور M۱۵/۸۸۳۴۵۶۱ و شماره شاسی NAS۸۱۱۱۰۰K۵۸۶۳۰۹۷ به نام شاپورکریمی به کدملی ۵۵۸۹۰۶۲۹۵۰ مفقود شده از درجه اعتبار ساقط است. زرین‌شهر.

برگ سبز (سند مالکیت) و کارت شناسائی موتورسیکلت شباب تیپ CC۱۲۵ مدل۱۳۸۶ به شماره پلاک ۶۱۹ ایران ۴۳۱۳۷ و شماره موتور SB۱۰۰۶۵۶۴ و شماره شاسی N۱U***۱۲۵S۸۶۰۱۸۲۸ به نام عوضعلی رضائی به کدملی ۱۲۰۹۸۲۷۵۸۱ مفقود شده از درجه اعتبار ساقط است. زرین‌شهر.

سند کمپانی کامیون باری فلزی تیپ آنگو ۱۸۲۸ به شماره انتظامی ۳۲۴ ع ۷۱- ایران ۷۳ و شماره موتور ۹۰۶۹۲۱۰۰۳۹۹۳۲۲ شاسی NAB۹۵۰۵۰۴۵A۹۳۰۵۵۸ مدل ۸۳ به نام شنبه‌علی شهسواری مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

بنایی و خدمات ساختمانی

آلمان +ایتالیا
هر سفارشی دارید با ما تماس بگیرید
۸۸۷۵۳۷۴۹
۰۹۱۲۳۵۴۵۰۶۱

خرید و فروش انواع خودرو

«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها
حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲
۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

خرید و فروش آهن‌آلات

سند کمپانی خودرو سواری سمند SOREN+EF۷ به شماره پلاک ۱۳۲ ط ۹۶- ایران ۴۹ به رنگ سفید مدل ۱۴۰۱ و شماره موتور ۱۴۷H۰۶۸۹۱۱۲ و شماره شاسی NAACS۱HE۹NF۲۴۷۹۴۷ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

بالاترین خریدار ضایعات آهن مس و کابل خرید در تمام استان‌ها (بصورت نقدی)
۰۹۱۲۶۷۱۳۲۶۱

برگ سبز موتورسیکلت متین مدل ۹۵ به شماره انتظامی ۷۲۷۶۸ ایران ۵۱۱ به شماره تنه NDR***۱۵۰U۹۵۹۶۵۸۳ و شماره موتور ۱۳۰۷۶۸ مفقود گردیده فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو تراکتور کشاورزی ITM مدل۹۶ به شماره انتظامی ۷۸۱ ک ۱۹ ایران ۳۱ به شماره موتور MT۴A۲W۱۹۶۳E و شماره شاسی ۰۰۲۳۳ مفقود از درجه اعتبار ساقط است.

مجله زن روز
روزهای
شنبه هر هفته
منتشر
می‌گردد

ویلا فروشی جهت سرمایه گذاری
مازندران / ونوش
سند تک برگ
۸۰۰ متر زمین
۶۰۰ متر بنا
۴ خواب سه خواب مستر یک خواب رویال مستر
استخر به طول ۱۰ متر
متریال و شیرآلات برند
جکوزی
ایر هاکی
سینما خصوصی
سیستم گرمایش از کف
دوربین مدار بسته
آشپزخانه ۵۰ متر
فول فرنیش
بیلیارد
روف گاردن
سیستم هوشمند
سیستم صوتی
سرایداری
برای دیدن فیلم ویلا و اطلاع از قیمت لطفا با این شماره تماس بگیرید.
۰۹۱۲۱۹۷۲۰۰۶

استخدام

دعوت به همکاری
مؤسسه‌ای از افرادی با شرایط زیر برای بخش های کارگری و کارمندی خود دعوت به همکاری می‌نماید .
● واحد فنی : ۴ نفر مرد – با تحصیلات دیپلم به بالا
● واحد خدمات: ۵ نفر مرد – با تحصیلات دیپلم به بالا
● نگهبان : جهت تکمیل کادر انتظامات – ۳ نفرمرد با تحصیلات دیپلم به بالا
● واحد توزیع : ۳ نفر مرد (ترجیحاً با وسیله نقلیه)
● امور مالی : ۳ نفر مرد – با مدرک تحصیلی لیسانس حسابداری
● امور اداری : ۳ نفر مرد – با مدرک تحصیلی فوق دیپلم به بالا
آشنایی متقاضیان واحدهای مالی و اداری با نرم‌افزارهای مربوطه الزامی است.
واجدین شرایط می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۳۳۱۱۸۳۳۳-۰۲۱ تماس حاصل نمایند.

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده شرکت سنگبری صالح ازنا (سهامی خاص) به شماره ثبت ۳ و شناسه ملی ۱۴۰۷۴۰۰۰۰۲۲۴
از کلیه سهامداران شرکت سنگبری صالح ازنا دعوت می شود در جلسه مجمع عمومی بطور فوق‌العاده که در تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ راس ساعت ۱۰ صبح در محل شرکت واقع در شهر ازنا خیابان شهید دهقان مقابل بانک کشاورزی برگزار می گردد حضور بهم رسانند.
دستور جلسه:
– انتخاب مدیران و تعیین سمت هیئت مدیره
– تعیین دارندگان حق امضاء
– انتخاب بازرسین
– انتخاب روزنامه کثیرالانتشار
دعوت کننده : هیئت مدیره شرکت

آگهی دعوت سهامداران شرکت ارغوان تهران سهامی خاص به شماره ثبت ۶۵۹۶۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۰۹۳۲۷ جهت تشکیل جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده
بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده که در روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۹ ساعت ۱۰ صبح در محل قانونی شرکت استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، حسن‌آباد- زرگنده، کوچه امام زاده، خیابان شهید سیامک شکرآبی پلاک ۹۶، ساختمان ۱۱۰، طبقه ۴، واحد شرقی کدپستی ۱۹۱۶۸۷۳۶۶۳ تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند.
دستور جلسه:
الف) انتخاب و تعیین سمت هیئت مدیره
ب) انتخاب بازرسین
ج) تعیین دارندگان حق امضاء
هیئت مدیره شرکت

اسامی ۷ نفر از فرزندان تحت پوشش شیرخوارگاه آمنه(س)

نام کودک: آلما
تاریخ تولد: ۷ روزه
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳
مکان پیدایش: رهاشده
ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی دماوند

نام کودک: پگاه
تاریخ تولد: ۱۴۰۲/۰۸/۲۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱
ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه
مکان پیدایش: بیمارستان شهید ستاری قرچک

نام کودک: پیمان
تاریخ تولد: ۱۴۰۲/۰۹/۲۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰
مکان پیدایش: بیمارستان امام حسین (ع)
ارجاع دهنده: بیمارستان امام حسین (ع)

نام کودک: سبحان
تاریخ تولد: ۱۴۰۲/۰۹/۱۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵
مکان پیدایش: بیمارستان امام سجاد (ع) شهریار
ارجاع دهنده: بیمارستان امام سجاد (ع) شهریار

نام کودک: کسری
تاریخ تولد: ۱۴۰۲/۰۹/۲۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۲
مکان پیدایش: بیمارستان مهدیه
ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه

نام کودک: همتا
تاریخ تولد: ۲ساله
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵
مکان پیدایش: رهاشده
ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی ذوالفقاری

نام کودک: ویهان
تاریخ تولد: ۱۴۰۲/۰۹/۲۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۳
مکان پیدایش: بیمارستان شهدای سلامت ملارد
ارجاع دهنده: بیمارستان شهدای سلامت ملارد

ویژه‌نامه تخصصی خودرو
بامطالبی متنوع و کادری ورزیده با آخرین اخبار روز بهترین مکان جهت درج آگهی‌های شما
با حضور در نیازمندی‌های روزنامه کیهان دامنه کار خود را گسترش دهید